

شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹ • ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۶ فوریه ۲۰۲۱

فرهنگ و هنر

سید عباس صالحی در حاشیه حضور در سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر عنوان کرد: سامانه «تلویزیون تئاتر ایران» فرصت و اتفاق تازه‌ای برای جشنواره تئاتر فجر و آینده تئاتر ایران است؛ فرصتی خاص که می‌تواند رونق اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از سی و نهمین جشنواره تئاتر فجر درباره راه اندازی سامانه تلویزیون تئاتر ایران بیان کرد: «تلویزیون تئاتر ایران» که نمایش‌های اجرا شده در جشنواره ضبط و عرضه می‌کند، فرصت و اتفاق تازه‌ای برای جشنواره و آینده تئاتر ایران است. مجموعه تئاترهای حاضر در جشنواره از طریق ضبط و پخش در این سامانه فرصتی عمومی‌تر را برای مخاطب‌یابی پیدا کرده‌اند.

وی افزود: این سامانه همزمان با جشنواره و پس از آن، امکان ارتباط هنرمندان با مخاطبان خود در ایران و همه فارسی زبانان دنیا را فراهم می‌کند. این فرصت خاص برای تئاتر ایران رونق اقتصادی را نیز می‌یواند به دنبال داشته باشد.

صالحی با اشاره به اهمیت پرداختن به شخصیت شهید قاسم سلیمانی در بخش ویژه «سرباز انقلاب» جشنواره تئاتر فجر بیان کرد: یکی از نکات جالب توجه در جشنواره امسال توجه به

امسال هم مثل هرسال، اولین خبرهایی که از جشنواره اسباب‌بازی به‌گوش‌رسید، مربوط به برگزاری نشست‌های تخصصی بود و البته با رنگ و بویی جدیدتر. یعنی برگزاری مجازی نشست‌ها به دلیل شیوع بیماری کرونا و همچنین ورود برخی مهمان‌های خارجی به این جلسات. اما با کمی نگاه عمیق‌تر در این بخش جشنواره (همچون سایر بخش‌ها) سولاتی ذهنمان را به خودش مشغول می‌کنند که تأمل‌برانگیزی هستند! سولاتی که از اولین دوره برگزاری این جلسات مطرح بوده‌اند و هرسال فقط بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. سولاتی که ظاهراً مسئولین برگزاری این نشست‌ها هم تمایلی به پاسخ دادن آن‌ها ندارند و هیچگاه پاسخ‌های مناسبی برای آن‌ها ارائه نکرده‌اند.

پرسش‌هایی از قبیل اینکه واقعاً راه‌حل مشکلات موجود در صنعت بازی و اسباب‌بازی چیست؟ نبود چه چیزهایی اصلی‌ترین موانع رشد و پیشرفت این صنعت پول‌ساز در کشورمان هستند و چرا بازار بزرگ ایران از شر محصولات بی‌کیفیت چینی خلاص نمی‌شود؟ اصلاً چرا کسی هنوز در کشور این صنعت را جدی نمی‌گیرد و آن را همچون اسفنج در حد یک بازی ساده می‌داند و برای خود ورود به این عرصه را کسر شأن؟ شاید اولین پاسخ برگزارکنندگان جشنواره اسباب‌بازی به این سوالات، برگزاری نشست‌های تخصصی بوده‌است. البته مشخص نیست که اصلاً از کجا این پاسخ به‌دست‌آمده است و دقیقاً چه متخصصانی به این نتیجه رسیده‌اند. چرا که بعد از چند سال برگزاری این نشست‌ها، کم‌کم برای همه نمایشی‌بودن‌شان مشخص خواهد شد هرچقدر هم که منتظر ماندیم تا با برگزاری این جلسات، اسباب‌بازی به این صنعت تبدیل و به جلویی انجام‌شود، نشد. اتفاقی در این صنعت پیشند و حرکت رو به جلویی انجام‌شود، نشد. از طرفی شاید خیلی نشود به متولیان این صنعت خرده‌گرفت. چرا که نه فقط در صنعت اسباب‌بازی بلکه از نظر بیشتر مسئولان کشورمان، برای حل عموم مشکلات بهترین راه حل برگزاری نشست است. پس خیلی نباید از مسئولان این صنعت این توقع بالایی داشت. چراکه این مسئول هستند و اقتضای این موقعیت اجتماعی همین است. البته برگزارکنندگان این جلسات تلاش زیادی در رعایت همه تشریفات مرسوم نشست‌ها داشته‌اند؛ مثلاً نشیندن وعده‌هایی که هیچگاه عملی نمی‌شوند یکی از همین مرسومات است که در این جشنواره نیز سابقه‌ی طولانی دارد. نیاز به راه دور رفتن هم نیست. فقط کافی‌است کلید واژه «رشته طراحی اسباب‌بازی» را جستجو کنید تا با وعده‌های سال‌گذشته مسئولان این جشنواره مبنی بر شروع به کار این رشته در دو دانشگاه کشور در سال آتی (یعنی سال ۹۹) چه زمانی جلسات روبرو شوید! رشته‌ای که هنوز کسی نمی‌داند دقیقاً چه زانے شروع‌به‌کار خواهد کرد و یا اینکه آیا اصلاً بنا به شروع آن هست و یا جنس همان وعده‌های توثاقی نشست‌ها بوده‌است!

ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود. همان‌طور که مطلع هستید یکی‌دیگر از بخش‌های اصلی یک نشست، بیان مباحث کلیشه‌ای و تکراری از زبان افراد مختلف است. اتفاقی که دقیقاً در این جشنواره نیز هر سال تکرار می‌شود و حتی در برخی‌موارد همان مهمانان سال‌گذشته دوباره می‌آیند و همان سخنران را تکرار می‌کنند. شاید تصور می‌کنند که هنوز حضار جلسه به‌طور کامل به سخنان این فرد توجه نکرده‌اند و نیاز است تا فردی که یک سال برخی مباحثی که همه می‌دانند را مطرح‌کرده است، بیاید و دوباره همان مطالب را در همان الفاظ بیان‌کند. جالب‌تر اینکه مهمانان جدید هم تفاوتی نمی‌کنند. یعنی چون آن‌می‌دانند که سال‌گذشته یک مهمان این مطالب را برای حضار بیان کرده است، با یک شور و شوق زاید‌الوصفی شروع به بیان همان سرفصل‌ها می‌کنند. البته آن‌ها هم حق دارند. خب نشست است دیگر. اقتضایش همین است. قرار نیست که مطالب

وزیر ارشاد:

کرونا ضربه بزرگی به اقتصاد تئاتر زد



«سردار دل ها» سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بوده است. همانطور که نام و یاد او همواره زنده است، در جشنواره های فیلم و تئاتر فجر نیز پرداختن به شخصیت ایشان بسیار ملموس بود و بیش از ۱۰ تئاتر با این مضمون در جشنواره به روی صحنه رفته‌اند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که به تماشای نمایش «سرباز» به نویسندگی و کارگردانی حسین

خلأ در جشنواره اسباب‌بازی

چالشی و جدیدی مطرح شود. فقط قرار است دور هم بنشینیم و مباحث قبلی را یک نفر بگوید و باقی تأیید کنند و این می‌شود یک نشست علمی و تخصصی در راستای بررسی و حل مشکلات صنعت بازی و اسباب‌بازی!!

بد نیست تنوعی به این برنامه بدهیم و از سال بعد به‌جای برگزاری نشست، «برخاست‌هایی» برگزار کنیم که شاید با این روش بتوانیم مشکلات بیشتری را بررسی و حل کنیم! البته شاید صحبت از تنوع دادن و نوآوری در مقابل مسئولان برگزاری این نشست‌ها، زیره به کرمان بردن باشد. چرا که هر سال شاهد نوآوری‌های خیره‌کننده‌ای هستیم که در واقع همان پیشرفت‌های این برنامه‌ها هستند. برای مثال ورود برخی مهمانان خارجی به جشنواره امسال که می‌تواند دستاوردهای زیادی داشته باشد از جمله ساختن یک رزومه قوی برای برگزارکنندگان این نشست‌ها یا ارائه بیان‌کاری پروپیمان به مدبران بالادستی و در نتیجه افزایش بودجه‌ای این بخش برای ادوار آتی و … به نظر می‌آید اصلاً برداشت ما از مشکلات این صنعت با برداشت قبیل نبود که شدت متفاوت است. تصور ما از مشکلات صنعت، مسائلی از قبیل نبود کاراکتر بومی، مشکلات صادرات و واردات، عدم تسهیل‌گری مناسب بین تولیدکننده و انیمیشن‌ساز و … بود اما بعد از برگزاری نشست‌ها و نکات برگزارکنندگان از دستاوردهای آن متوجه شدیم تنها مشکل ما نداشتن چند مهمان خارجی برای جشنواره بود که خوشبختانه امسال این مشکل حل‌ش‌دا. راحل اصلی هم این است که هر سال در تاریخ‌های معینی دور هم جمع بشویم و یک عده با تخصص‌های مختلف بیایند و از ابتدا تاریخچه صنعت بازی و اسباب‌بازی و مشکلات موجود را برای‌مان مطرح کنند. البته در چند ساعت برگزاری هر نشست، نباید انتظار بیشتری داشته باشیم. دقیقاً جایی که سخنران اعلام می‌کند که مشکلات تمام شد و می‌خواهد به سراغ راه حل برود، اشاره می‌کنند که وقت تمام شده است و سخنران بعدی در جایگاه حاضر می‌شود و این روند آن‌قدر ادامه پیدا می‌کند که نشست‌های امسال نیز به پایان می‌رسد و می‌رویم تا سال بعد دوباره مروری بر مشکلات صنعت داشته‌باشیم این بار از نگاهی دیگر و با مهمانانی متفاوت از گذشته!

به نظر می‌رسد لذت برگزاری یک نشست پرآب‌وتاب، مسئولان برگزاری آن‌ها را از اهداف و راه‌حلهایی که با برگزاری این جلسات به دنبال آن‌ها بوده‌اند، غافل کرده باشد. البته همه این‌ها، خیالات و تصورات ما است. اصلاً معلوم نیست که آیا واقعاً چنین اهدافی از ابتدا در ذهن آن‌ها بوده است یا اینکه تنها به فکر پر کردن این جشنواره با الفاظ و اسامی زینا هستند یا در بهتری‌ن حالت تلاش کرده‌اند تا بودجه تخصیص یافته به برگزاری جشنواره در یک مسیر صحیح خرج‌شود و چه مسیری بهتر از برگزاری نشست که تاریخچه‌ای عمیق در بدنه‌ی مسائل مختلف کشورمان داشته‌است. البته دستاوردها و اهداف محقق‌شده این نشست‌ها، سال‌هاست که به عنوان یک موضوع جذاب، ذهن بسیاری از متفکران و دانشمندان کشور را به خود مشغول ساخته است اما دریغ از حتی کوچک‌ترین کورسوی امیدی به سمت کشف این نتایج!!

پای درد دل‌ها و صحبت‌های طراحان و تولیدکنندگان این صنعت که نیشینیم تازه می‌فهمیم که موفق به برگزاری چه شواف بزرگی شده‌ایم. نشست‌هایی که قرار بود مشکلات صنعت را ریشه‌یابی کنند و برای رفع آن‌ها راه‌حلهایی ارائه دهند اما اکنون تبدیل به یک برنامه روتین سالیانه شده است که اگر یک سال برگزار نشوند، خسارات جبران‌ناپذیری به کشور و تربیت نسل آینده وارد خواهد آمد! اکنون وقت آن رسیده که مسئولان برگزاری این نشست‌ها،

وی در پاسخ به این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چه تمهیدی را برای افزایش کمی و کیفی آثار انقلابی و اثری در جشنواره‌های فجر اندیشیده است، گفت: جشنواره‌های فجر، جشنواره‌های ملی هستند و تکاپوی مختلفی را برای برگزاری آن ها می‌بینیم. جشنواره تئاتر فجر نیز کارنامه یکسال تئاتر را مرور می‌کند و سوژه‌های قابل توجهی دارد. آنچه برای این رویداد مهم است، عرضه نمایه‌ای از نگاه های متعالی است. مباحث مربوط به تاریخ و هویت انقلابی، بخش مهمی از موضوعات جشنواره را تشکیل می‌دهد و امسال درص قابل توجهی از آثار به این موضوعات پرداخته اند.

صالحی درباره شرایط اقتصادی و معیشتی اهالی تئاتر نیز بیان کرد: کرونا ضربه بزرگی به اقتصاد تئاتر زد اما جشنواره تئاتر فجر مقدمه تکاپو و فعالیت دوباره را برای هنر تئاتر فراهم کرد. می‌توان به مراقبت حاکتکری و تشدید و تقویت آن همچنان بعد از جشنواره به فعالیت تئاتر ادامه داد. لازم است هنرمندان به عنوان گروه‌های مرجع اجتماعی و به دلیل تاثیرگذاری‌شان بیش از بقیه مراقب باشند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز درباره خسارت‌های صورت گرفته با اختصاص تسهیلات و وام‌های در حال انجام، کمک های بلاعوض انجام شده و در مسیر انجام به وضعیت اقتصاد تئاتر و اهالی‌اش توجه دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های تولیدکننده و توزیع‌کننده اسباب‌بازی، گفت: «ما باید به‌جای آنکه به دنبال تولید اسباب‌بازی باشیم، به دنبال تولید فرهنگ باشیم»



برای لحظاتی از مرکب خوش‌خیالی موفقیت‌های حاصل‌شده از این نشست‌ها پایین‌بیايند و آن لحظه تازه متوجه اتفاقات پیرامون می‌شوند.در حقیقت تازه با این موضوع مواجه می‌شوند که اصلاً چرا به برگزاری نشست‌هایی اصرار داریم که ظاهراً دستاوردی نداشته‌اند و هیچ‌کدام از اهدافمان را برطرف نکرده‌اند؟ چطور است همانگونه که بدون هیچ دوراندیشی و تشکیل اتاق‌فکری برای بررسی جوانب مختلف برگزاری نشست‌های تخصصی و احتمالاً تأثیر آن‌ها در حل مشکلات صنعت اسباب‌بازی اقدام به برگزاری آن‌ها کردیم، یک‌سال نیز این نشست‌ها را برگزار نکنیم و تأثیر این عدم‌برگزاری را بررسی کنیم. تازه آن زمان است که متوجه خوش‌خیالی‌های‌مان در مورد اثرات شگفت‌آور برگزاری این نشست‌ها در صنعت می‌شویم و به دنبال راه‌حل بهتری می‌گردیم. راه‌حلی که اگر از همان شش‌سال گذشته که اولین‌دوره جشنواره در حال برگزاری بود پیگیری می‌شد، حالا مجبور نبودیم که گوشه‌ای بنشینیم و گذر عمر بطالت‌بار این صنعت را نظاره کنیم. صنعتی که با اجرای راه‌حلی‌های فکر نشده، روزه‌روزر غل و زنجیره‌های بیشتری را بر دست‌نهایی خود می‌بیند که قرار بود رفع مشکلاتش باشد اما اکنون خود، مشکلاتی جدید هستند.

بدیهی‌است که برگزاری یک‌جلسه ۳-۲ ساعته در سال نمی‌تواند مشکل خاصی را برطرف‌کند و فقط تبدیل به یک‌نمایش‌خیسته‌کننده می‌شود. اگر واقعاً لزوم بررسی این چنین موضوعاتی را در رفع مشکلات صنعت مؤثر می‌دانیم، چه بهتر که آن‌ها را تبدیل به جلسات پیوسته و با حضور افراد خوش‌فکر و صاحب‌نظری کنیم که با بیان راهکارها و ایده‌های‌شان می‌توانند قفلی از این قفل‌ها را باز کنند. افرادی که در اطرافمان هستند ولی اسامی سخنرانان این نشست‌ها چنان چشمان‌مان از خیره‌کرده‌است که اصلاً آنها را نمی‌بینیم! افرادی که وعده‌های پوچ و توخالی و در جهت جلب توجهات به برنامه را ندهند و به جای آن‌ها، از واقعیات و راه‌حل‌ها سخن بگویند. حتی ورود سخنرانان خارجی زمانی می‌تواند یک اتفاق‌خوب و خبر خوش باشد که به تعامل و برقراری ارتباط و با برگزاری دوره‌های مختلف مهارت‌افزایی برای طراحان و تولیدکنندگان و فعالان صنعت اسباب‌بازی کشورمان منجر شود. از طرفی برگزاری همايش‌ها و کنفرانس‌های علمی (به معنای واقعی آن‌ها) و فراخوان‌هایی درجهت تولید پژوهش‌های‌مرتبط با جنبه‌های‌مختلف این صنعت می‌تواند ضعف کمبود پشتوانه‌های نظری و علمی آن را برطرف کند و بعد از چندسال شاهد تغییر نگاه پژوهشگران به این حوزه باشیم.

این راهکارها تنها بخشی از جایگزین‌هایی هستند که می‌توانند خلأهایی که قرار بود به وسیله برگزاری نشست‌ها پر شوند را جبران کنند. ترتیب‌دادن اتاق‌فکرهایی مشکل از افراد مختلف با تخصص‌های مرتبط می‌تواند راهکارهای بیشتری را مشخص کند تا کم‌کم از این خمودی و یکنواختی جشنواره‌های اخیر رها شویم و قدم‌هایی در جهت رفع مشکلات این صنعت برداریم.

پیوستن مراغه به نهضت امام خمینی؛ تاریخی که تا سال‌ها نوشته نشد

منانده است و نیاز به کار دارد. فراموش نکنیم که تاریخ هر شهر مکمل تاریخ هر کشوری است. شهرستان مراغه یکی از شهرهای پیشتاز در جریان انقلاب اسلامی بود. پرداختن به تاریخ این شهر یکی از حوزه‌های مطالعاتی محلی است که می‌تواند زوایایی تاریک از تاریخ انقلاب را روشن کند. این شهر به علت داشتن وجهه مذهبی بالا و موقعیت خاص جغرافیایی در آذربایجان به سرعت با مفاهیم انقلاب اسلامی آشنا و در سال‌های ۵۶ و ۵۷ با شرکت فعال مردم در راهپیمایی‌ها، به نوبه خود نقش مهم و مؤثری را در پیروزی و تثبیت انقلاب ایفا کرد. درباره مبارزات انقلابی مردم این شهر و تاریخ‌شان در انقلاب تا سال ۱۳۹۸ هیچ پژوهش درخوری منتشر نشده بود. آن زمان بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی کتاب «انقلاب اسلامی در مراغه» نوشته منصور پورمروذن و مسعود غلامیه را با شمارگان هزار نسخه، ۲۹۸ صفحه و بهای ۱۵ هزار تومان منتشر کرد. این کتاب مدتی بعد با شمارگان هزار نسخه و بهای ۴۹ هزار تومان به چاپ دوم رسید. مباحث کتاب «انقلاب اسلامی در مراغه» «انقلاب اسلامی در مراغه» چهار فصل به ترتیب با این عناوین دارد: «از روی کار آمدن رضاشاه تا شروع نهضت امام خمینی (ره)»، «از تکوین نهضت تا شروع انقلاب»، «خودهای مطالعاتی محلی است که می‌تواند ارائه شده در فصل نخست کتاب از این قرار است: «مراغه در ابتدای دوره پهلوی»، «تاسیس ادارات و مؤسسات آموزشی به شیوه نوین»، «اشغال مراغه در

و تکثیر اعلامیه‌ها، پخش نوار کاست، رویداد درگذشت

روزنامه‌صبح ایران

استیلا

شماره ۳۱۴۳

اخبار

حجره شماره۲ محل تبادل اخبار طلاب و روحانیون و مبارزان انقلابی بود

به نقل از روابط عمومی حوزه هنری، مراسم رونمایی کتاب «حجره شماره دو» شامل خاطرات حجت‌الاسلام ابوالقاسم اقبالیان عصر روز چهارشنبه ۱۵ بهمن در حوزه هنری برگزار شد.
در ابتدای این‌مراسم آیت‌الله محسن قمی معاون ارتباطات بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری با توجه به ولادت حضرت زهرا (س) اظهار داشت: از ویژگی‌های برجسته آن حضرت اهتمام و توجه به خاطرات شهدا بود. وی افزود: وقتی خاطرات شهدا، رزمندگان، جانبازان ثبت و منتشر می‌شود رحمت خداوند نازل می‌شود و این محفل رونمایی همان مکان نزول رحمت خداوند است.
معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم رهبری اظهار داشت: اگر خاطرات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی نبود جریان مقاومت که اکنون در منطقه و جهان فعال است وجود نداشت. روایت‌های این کتاب انصافاً خواننده را جذب می‌کند و به دنبال خودش می‌کشاند. چرا که آقای اقبالیان از همان کودکی پر شر شور است و لحظه‌ای از جنبش و حرکت و پویایی غافل نیست و صحبتی از سکون نیست. آیت الله قمی در پایان گفت: درود می‌فرستم بر تمام کسانی که در عرصه ثبت و انتشار خاطرات رزمندگان جنگ تحمیلی و انقلاب فعالیت می‌کنند و به احیا این مکتب دامن می‌زنند.

سردار رضا سیفالهی فرمانده اسبق نیروی انتظامی هم در این مراسم گفت: بیش از چهل سال است با آقای اقبالیان آشنا هستم و به قول معروف رفیق گریامه و گلستان همدیگر هستیم و من کتاب را با این هدف خواندم که نکته‌ای گزاف در آن پیدا کنم اما اعتراف می‌کنم که حاج آقا اقبالیان بسیاری از کارهایشان را در این کتاب نگفته‌اند و اصلاً هیچ نکته گزافی در آن پیدا نمی‌شود. امروز که در بهار اخلاص‌ها هستیم، این را بگویم که ایشان در زندگی‌شان از هیچ رانتی استفاده نکردند و اگر کسی یک مورد استفاده شخصی ایشان از موقعیت و امکانات عمومی را بیابود خودش به او جایزه می‌دهم. زندگی ایشان در حال حاضر هم از نظر اقتصادی بسیار معمولی است و حتی با مشکلاتی روبروست. وی افزود: وقتی فرمانده ناجا بودم با ایشان به دیدار مراجع عظام می‌رفتم و خوشحال می‌شدم. وقتی می‌دیدم که حضرات مراجع با چه لطف و مهربانی با ایشان برخورد می‌کردند و همه‌شان به حاج آقا اقبالیان اجازه کتبی برای امور حسبه‌ای داده بودند

فرمانده اسبق نیروی انتظامی در ادامه گفت: اگر الان هم خطری نظام و انقلاب را تهدید کند، حاج

آقا اقبالیان با همین وضعیت جسمی هم در خط مقدم نبرد خواهند بود.

آیت‌الله ادیب یزدی هم در سخنان کوتاهی گفت: با توجه به کارها و اقداماتی که آقای اقبالیان در این بیش از چهل سال انجام داده اند اطمینان دارم که این کتاب تنها یک هزارم خاطرات ایشان است. ایشان خداوندگار ناگفته است. حجت‌الاسلام ابوالقاسم اقبالیان در پایان این مراسم با تقدیر و تشکر از کسانی که در این مراسم رونمایی حضور داشتند اظهار داشت: اعتراف می‌کنم که هر چه دارم از برکت وجود حضرت زهرا (س) دارم و هر وقت در ایام انقلاب و جبهه برایم گرفتاری پیش می‌آمد به حضرت متوسل می‌شدم و فوراً مشکل حل می‌شد. وی درباره چرایی نامگذاری این کتاب به نام حجره شماره دو گفت: حجره شماره ۲ مدرسه فیضیه قم در پیش از انقلاب محل رد و بدل کردن اخبار بین طلاب و روحانیون و مبارزان انقلابی بود و هر کس هر خبری که داشت آنجا مطرح می‌کرد و در همان جا تصمیم‌گیری می‌شد. تشکیل بسیج طلاب و روحانیون، اعزام روحانیون و طلاب به جبهه های جنگ، اعتراض به مقاله رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات و … در این حجره کوچک انجام می‌گرفت. کتاب «حجره شماره دو»، خاطرات حجت‌الاسلام ابوالقاسم اقبالیان، اثری در حوزه تاریخ شفاهی انقلاب و دفاع مقدس استان قم به قلم رضا یزدانی است. حجت‌الاسلام ابوالقاسم اقبالیان یکی از شاهدان عینی است که در بسیاری از مقاطع حساس تاریخ انقلاب و دفاع مقدس حضور داشته و نقش‌آفرینی کرده است.وی همچنین با شخصیت‌های مهم تاریخ انقلاب ارتباط داشته و خاطرات دست اول و شنیده نشده فراوانی از آن‌ها دارد که تاکنون نقل نشده و برای نخستین بار است که در کتابی منتشر می‌شود.

ویروس مثل کرونا در بهای زبان فارسی

در یادداشت سیدمهدی زرقانی، منتقد و استاد دانشگاه که با عنوان «اندر مصیبه‌های زبان فارسی» در پایگاه شهر کتاب منتشر شده، آمده است: «آن قدیم‌تراها وقتی شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی می‌خواستند در محفلی رسمی سخن بگویند، پیش از سخنرانی، متن ویراسته و ویراسته و ویراسته‌ای تهیه می‌کردند که در آن حتی‌المقدور فصاحت، سلاست و بلاغت کلام رعایت شده بود و آن‌گاه که سخنران لب به سخن می‌گشود، متنی سالم و زیبا رونق می‌کرد و مخاطبان از شنیدن آن هم بهره‌مند می‌شدند و هم لذت می‌بردند. یعنی نادان چه کسی تنه سینه «سخنرانی بدون متن» را پایه‌گذاری کرد اما هر که بود، آغازگر راه و روش نادرستی شد که روندگان آن راهی به دهی نمی‌برد و غایتش چیزی جز ویرانی زبان شیرین و شکرین فارسی نیست. قسمت تراژیک قضیه آن‌جاست که امروزه، سخنرانی از روی متن کاری پسندیده تلقی نمی‌شود و در بسیاری موارد آن را نشانه ضعف در فن بیان تلقی می‌کنند و چه تصور نادرستی! نتیجه‌اش این شده که می‌بینید: ساختارهای نحوی زبان فارسی، روز به روز ضعیف‌تر، نحیف‌تر و بیمارتر شده و تنوع الگوها و ساختارهای نحوی، که عامل زیبایی زبان است و آن را جذاب و زیبا می‌کند، روز به روز کمتر و کمتر می‌شود. نشانه آشکار این اپیدمی را باید در بیان خیل سخنورانی سراغ جست که در محافل رسمی کاملاً شبیه یکدیگر حرف می‌زنند؛ چند کلیشه محدود و گاه غلط از نحو زبان در ذهن و زبان آن‌ها نقش بسته، تمشین شده و سنگواره شده و درست مثل یک ماشین، مدام همان الگوهای تکراری را تولید و مصرف می‌کنند. آن همه کلیه‌ای‌های متعدد و متنوع نحوی زبان فارسی، که تا نواستند آن را در مقابل هیولان پریشان‌گر اقوام مهاجم شرق و غرب، در طول قرون و اعصار حفظ کند، امروزه از ذهن و زبان رخت برسته و دایره جمله‌سازی‌مان روز به روز تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شود. ما درست مثل دانش‌آموزی که بدون آمادگی قبلی رفته سر جلسه امتحان و مجبور است از روی ورقه بغل‌دستی‌اش تقلب کند، هنگام سخن گفتن حتی در محافل رسمی و حتی در رسانه، خودآگاه یا ناخودآگاه، از روی برگه بغل‌دستی‌مان تقلب می‌کنیم و جمله می‌سازیم. بله! دنبال همین ترکیب می‌گشیم: «جمله‌سازی» ما ضعیف‌نادر و همه‌مان را روی دست همدیگر تقلب می‌کنیم و جملات‌مان شبیه یکدیگر شده؛ در نتیجه، روز به روز از درجه خلاقیت و زیبایی جملات گویشوران فارسی کاسته می‌شود و بدتر از آن، ساختارهای نحوی بیمار، مثل ویروس کرونا، ربه‌های زبان فارسی را ضعیف و ضعیف‌ترین می‌کند. یکی که نه، یک ملت باید به داد این ربه‌های خسته و بیمار برسد. نمی‌خواهم به مقصیر را بگویم که این شخص خاص کتم و روح آن است که هم‌داستان با آن همشهری‌های نازنینم فریاد برآرد: «پدر، منار ما متهمیم» اما اگر قرار باشد به سراغ ریشه‌ها برویم، بیش و پیش از همه باید به اتفاق‌های در بسته و احیاناً غبارآلود برنامه‌ریزان درسی آموزش و پرورش سری بزنیم که مطابق با طرح‌های آن‌ها، آموزگاران عزیز ما یک حرف و دو حرف الفاظ را بر زبان فرزندان‌مان می‌پند و به آن‌ها «گفتن می‌آموزند». آیا افزایش توانش زبانی و ادبی جزء برنامه‌های وزارت فخیحه آموزش و پرورش هست؟ و آیا دو فصل محدود و مختصر «خوانیم و بنویسیم» و شیوه تدریس آن در حدی هست که منجر به تقویت زباندانی «فرزندان» شود که قرار است که «بزرگسالی» به بخش ظلم مسائل‌شان را با زبان حل و فصل کنند؟ خدا لعنت کند برنامه‌ریزان درسی «ممالک راقیه» و «ملل منمنده» را که ساعت‌های زیادی از کلاس‌های هفتگی را به «مکالمه آموزگار با بچه‌ها» (نه تک‌گویی آموزگار) اختصاص می‌دهند تا دایره واژگانی دانش‌آموزان گسترش پیدا کند؛ نحوه استفاده درست از ساختارهای نحوی زبان را بیاموزند؛ توانایی جمله‌آفرینی اشتباهات خود، گویا آن «بله‌بان» دریافته‌اند که جهان هر زبانی، به اندازه زبان اوست. لطفاً یکی از فریاد شنفته ما را به گوش برنامه‌ریزان محترم آموزش و پرورش برساند که عالی‌جنابان! این برنامه درسی شما خروجی‌اش سخنورانی است که در سن بزرگسالی نیز مجبورند از روی دست همدیگر تقلب کنند و نتوانند دو کلمه درست و درمان، چنان‌که از یک آدم بالغ عاقل فرهیخته انتظار می‌رود، فارسی سخن بگویند. تازه! این هنوز از نتایج سحر است، باشدیت تا صبح دولت‌تان بدمد!»

کتاب «شاید پیش از صبح» به قلم احمد یوسف‌زاده رونمایی شد

راسم رونمایی کتاب «شاید پیش از صبح» به قلم احمد یوسف زاده عصر روز گذشته با حضور سردار ایرامنش (مشاور و رئیس دفتر حاج قاسم سلیمانی) حجت الاسلام پرهیزکار (رئیس شورای حل اختلاف منطقه ۱۵) سرهنگ معزوری (رئیس پایگاه مالک اشتر) دولت آبادی (رئیس بنیاد شهید منطقه ۱۵) فاطمینا پور (معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران) برگزار شد. اسماعیل فضات‌لومدیریت فرهنگی هنری منطقه ۱۵ و رئیس فرهنگسرای خاوران گفت: ما مفتخریم که اثری منسوب به سردار دل‌ها را رونمایی کنیم. فضات لو در ادامه به بیان اهمیت و ناب بودن پیروزی انقلاب پرداخت و اینکه شعار امام و مردم در آن زمان نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی به این معنا بود که این انقلاب هیچگونه تبعیضی به حزب و فرقه‌ی خاصی ندارد و در عین استقلال به توانمندی‌ها فقط به ریسمان محکم می‌چسبد و وابسته است. رفتی قدرت‌ها، پایداری، ایستادگی و مسیر الله حق حرف موکد بنیانگذار انقلاب در آن زمان و همه ی زمان‌ها بود. این را باید بدانیم که شرق و غرب در یک چیز با هم همصدا هستند و آن نابودی انقلاب و ایران اسلامی است. امروز نیز فشار دشمن بر عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیاد است. در این مقام معظم رهبری نیز می‌فرایند: اندیشه مقاومت قدرتمندترین سلاح ما ملت است و نماد این اندیشه در عصر مالکیت کسبی نیست جز حاج قاسم سلیمانی که دشمن‌دست‌ن را حتی از انتشار عکس ایشان واهمه دارد!! ما بالاترین دارایی‌مان اندیشه مقاومت هستیم و عین و شیوه ی ویژه در استفاده کنیم.سردار ایرامنش مشاور و رئیس دفتر حاج قاسم سلیمانی گفتند: ما هرچه داریم از شهدات و مدیون آنان هستیم. شهدا تمام وجودشان را در طبق اخلاص گذاشتند و عاشقانه برای پایداری انقلاب و اسلام جنگیدند. سردار به ذکر خاطراتی از سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی اهتمام و شیوه ویژه ی ایشان به برگزاری مراسم روزی فاطمیه و عشق، عارفه، ارادت و توکل وصف زاینده شهید شهید باهنر، آئمه و فاطمه‌ی زهرا پرداختند و اینکه شهید گره کور بسیاری از مشکلات را با توکل با مادر سادات باز می‌کرد. در بیان گفته‌های سردار ایرامنش سردار دل‌ها مروج و بانی اصلی دهه‌های فاطمیه در شهر کرمان بود و نکته بسیار جالب در انتخاب مداحان و روضه خوانان بیت الزهرا ولایی و پبرو خط رهبر بودن روضه خوانان مراسم بود. سردار سلیمانی علاوه بر اینکه یک فرمانده طراز یک نظامی بود یک دیپلمات قوی، یک فرد رسانه‌ای مطلع، یک فرد اجتماعی و مردمی محسوب می‌شد و رموز موقعیت‌های حاج قاسم سلیمانی را در: اعتقاد کامل و راسخ به خدا و آئمه اطهار اطاعت پذیری محض از امامین انقلاب اخلاص بالا در عمل پیگیری و پشتکار طراحی و ایده پردازی‌های ناب داشتن هوش و ذکاوت مثال زدن امبدوار بودن و پرهیز از یأس و ناامیدی مشورت کردن و نظرخواهی از کارشناسان و مدیران مجموعه کاری دشمن شناسی قیام پایبند بودن به نظام ساده زیستی و نداشتن منبت شهر و تمد و احترام خاص به روحانیت و علمای دینی تکریم خاص مقام پدر و مادر تکریم خاصی خانواده‌ی عزیز شهیدان کرده و وابستگی به خط و جناح عجب بی‌بدیل به شهادت و سخاوت مند و … بر شمرد. جملات پایانی ایشان این بود که «بدانیم که مشی و راه و روش سردار سلیمانی بسیار مهم است و ایشان عامل به آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» بودند…